

توکلی -جاعل اسکناس بر پوشش مامور انتظامی در کرمان به دام افتاد. بر فرامنده انتظامی کرمان گفت: ر اقدامی پلیسی،جاعلی که در پوشش مامور انتظامی دست به اقدامات مجرمانه می‌زد، در کرمان شناسایی و دستگیر شد. سر دانی اسدی اظهار کرد: این متهم که خیلی حرفه‌ای هم نیست، توانسته با استفاده از دستگاه‌هایی که مجهز و پیشرفته نبوده است، تعدادی اسکناس جعل در پوشش نیروی انتظامی در شهر کرمان خرج کند.



عاملان تیراندازی در ماهشهر دستگیر شدند

جانشین فرمانده انتظامی خوزستان از دستگیری عاملان تیراندازی در ماهشهر خبر داد. سر هنگ صالحی در گفت وگو با مهر در تشریح این خبر اظهار کرد: ماموران انتظامی دوفقر را کب موتور سیکلت را که با تیراندازی در مراسم ها برای شهروندان ایجاد رعب و وحشت می کردند، دستگیر کردند. وی افزود: متهمان به محض دیدن ماموران اقدام به فرار می کنند که مأموران به آن ها دستور ایست می دهند اما متهمان توجهی نمی کنند بنابراین ماموران پس

عاشق تیراندازی، عمومیش را هدف گرفت

شلیک در تاریکی!

سید خلیل سجاد پور - جوانی که عاشق تیراندازی با سلاح بود پس از مصرف مشروبات الکلی و درگیری با پسر همسایه، ناگهان اسلحه کلت را به دست گرفت اما این بار عمومیش سیبل تیراندازی او شد و به قتل رسید. به گزارش خراسان پرورنده پیچیده «شلیک در تاریکی شب !« هنگامی که جریان افتاد که ساعت یک بامداد پنج شنبه گذشته، در ۴۲ ساله ای در حاشیه خیابان حر ۹۰ هم‌زمان با شنیده شدن صدای وحشتناک شلیک گلوله، خون آلود روی زمین افتاد. اهالی محل و اطرافیان این مرد ۴۲ ساله هر اسان از منازل بیرون آمدند و با پیگیر نیمه جان وی روبه‌رو شدند. خون زیادی در محل ریخته شده بود که خودروی اوژانس آژیر کشان به محل حادثه رسید وپیکر بی رمق و خون آلود «علی-خ» به مرکز درمانی انتقال یافت اما دقایقی بعد خبر تلخی در بسیمیه های پلیس پیچید «تلاش کادر درمانی برای نجات مرد مجروح به نتیجه نرسید و او اثر عوارض ناشی از اصابت گلوله جان سپرد». گزارش خراسان حاکی است: شب پرده سیاهش را بر آسمان شهر گشوده بود که نورافشانی چراغ گردان خودروهای پلیس به خیابان حر ۹۰ در شهر ک شهید رجایی شهیدر سید. دقایقی قبل قاضی ویژه قتل عمد برای بررسی های مقدماتی عازم مرکز درمانی شده بود و دستور تلفنی او کارآگاهان اداره جنایی، دامنه تحقیقات ابتدایی خود را به محل شلیک در خیابان حر ۹۰ کشانده بود. بررسی های قاضی «کاظم میرزایی» نشان می داد که گلوله به شقیقه مرد ۴۲ ساله و از فاصله حدود ۱۰ متری شلیک شده است! اما هیچ کس اطلاعی از ماجرای شلیک نداشت

خط زرد

توصیه های انتظامی برای مسافرت های خارجی

«در صورت بروز هر گونه مشکل در خارج از کشور، مطمئن ترین مکان برای مراجعه سفارت ایران در آن کشور است.
«هنگام ترک محل اقامت، مدارک شناسایی، نشانی و شماره تلفن محل اقامت خود را به همراه داشته باشید.
«نشانی و شماره تلفن سفارت ایران در هر کشوری که قصد مسافرت به آن را دارید، به همراه داشته باشید.
«از پذیرفتن اشیا و وسایل افرادی که با آن ها آشنایی ندارید، خودداری کنید.

«از همراه داشتن داروهای کدئین دار و مسکن های قوی در سفر به کشورهای حوزه خلیج فارس خودداری کنید و در صورت لزوم حتما نسخه پزشک معالج خود را همراه داشته باشید.

«به اشخاص ناآشنا که در فرودگاه ها و اطراف سفارتخانه ها قصد طرح دوستی با شما دارند، اعتماد نکنید.
«چنان چه قصد مسافرت با تورهای مسافرتی را دارید، توصیه می شود از تورهای معتبر، با تجربه و خوشنام استفاده کنید و ضمن تنظیم قرار داد، قبل از مسافرت کلیه شرایط از قبیل رفت و آمد، محل و شرایط هتل و... را برایتان مشخص کنید. در موارد متعددی مشاهده شده است برخی از آژانس های مسافرتی داخلی، مسافران خود را در مکان های نامناسب و بدنام اسکان داده یا در شرایط نامطلوبی رها کرده اند.
«با توجه به سوء استفاده های امنیتی از گذرنامه، از تحویل آن به افراد سودجو برای دریافت روادید، ارز، اقامت و موارد مشابه خودداری کنید.

حادثه در قاب



آتش‌سوزی مجتمع تجاری در خیابان نواب صفوی با تلاش آتش نشانان مشهد مهار و اطفاء شد.

از میان خبرها

-
-
-

زدان گاورادر پراید جاسازی کردند!

توکلی -پلیس هنگام گشت زنی در یکی از راه های مواصلاتی به خودروی سواری پراید مشکوک شد و در بازرسی از داخل آن، یک راس گاؤ کشف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان زرن د گفت: چهار سارق که قصد داشتند این گاوارا به یکی از شهرستان های شمالی منتقل کنند، ناکام ماندند. به گزارش خبرنگار ما، سر هنگ چوگانی افزود: این سارقان پس از اعتراف به چندین فقره سرقت احشام، تحویل مقام قضایی شدند.

دستگیری چند مظنون در حادثه«سرباز»
معاون امنیتی انتظامی استاندار سیستان و بلوچستان گفت: چند مظنون در حادثه پیشین شهرستان سرباز واقع در جنوب استان دستگیر شدند.
علی اصغر میرشکاری روز جمعه در گفت و گو با ایر نا افزود: پس از وقوع حادثه شهادت یک مامور انتظامی و یک بسیجی اهل سنت در بخنداری پیشین شهرستان سرباز، پیگیری های لازم انجام شد تا کتون چند نفر در این باره دستگیر شده اند.
دیور و مشکوکی شورای تأمین سیستان و بلوچستان گفت: موضوع در دست پیگیری و تحت تعقیب است.
میرشکاری ادامه داد: اخبار تکمیلی این حادثه به زودی اعلام خواهد شد.
به گزارش ایرنا ۳۱ مرداد دو نفر با سلاح سرد و گرم وارد بخنداری پیشین شهرستان سرباز واقع در جنوب سیستان و بلوچستان شدند که منجر به شهادت یک سرباز نیروی انتظامی و یک بسیجی اهل سنت شد.

مرگ تلخ ۲برادر در ساحل تالش

دو برادر پنج شنبه شب گذشته در دریای خزر در محدوده کلفارود تازه آباد تالش غرق شدند. به گزارش میزان ،فرمانده انتظامی تالش گفت:دو برادر اهل و ساکن تالش پنج شنبه شب در خارج از طرح سالم سازی دریا در محدوده روستای کلفارود تازه آباد جان خود را از دست دادند. سر هنگ اسماعیلی افزود: اجساد این دو جوان ۲۷ و ۳۲ ساله دیروز از آب بیرون آورده و به سر دخانه بیمارستان شهیدنورا آتش شهر تالش منتقل شد.

برخورد پژو با تیر چراغ برق در خوزستان ۲ کشته و ۲ مجروح بر جای گذاشت

رئیس پلیس راه خوزستان گفت: برخورد یک دستگاه پژو ۴۰۵ با تیر چراغ برق در جاده قدیم ماهشهر به اهواز سه کشته و دو مجروح بر جای گذاشت.
سر هنگ دولتشاهی روز جمعه در گفت و گو با ایرنا افزود: این سانحه رانندگی ساعت ۵ صبح امروز (دیروز) بر اثر خواب آلودگی راننده رخ داد. وی افزود: در این حادثه سه سر نشین مرد این خودرو در دم جان باختند و دو سر نشین خانم نیز به بیمارستان امام خمینی اهواز اعزام شدند که حال عمومی آن ها رو به بهبودی است.
وی افزود: خواب آلودگی راننده خودرو به قدری بوده که حتی اثری از خطر ترمز دیده شده است.

قابل توجه آژانس های مسافرتی هتل آسمانی در نجف

تلفن رزرو: ۰۰۹۶۴۷۸۳۱۱۱۶۳۶۵

کت وشلوار ۹۵هزار تومان

انواع شلوار لی، کتان، فاستونی ۲۸ تومان، تیشرت ۱۵ تومان و...

بلوار پیروزی، رضاشهر، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ تولیدی پوشاک بزرگمهر ۰۹۱۵۴۷۷۹۲۸۲

دست بند پلیس بردستان جاعل اسکناس

حوادث

جست و جو گران گنج، در کام مرگ

کشاورزی وجود ندارد. در ادامه با همکاری افراد محلی پیکر دو فرد گرفتار از چاه خارج شد و عوامل اوژانس با معاینه هر دو نفر اعلام کردند آن ها به علت استنشاق گاز داخل چاه جان خود را از دست داده اند.
دربرسی ها مشخص شد آن ها به همراه همدستانان که موضوع را به اوژانس اطلاع داده بود، برای پیدا کردن گنج اقدام به حفر تونل کرده اما به علت گاز چاه، جان خود را از دست داده اند.
تحقیقات برای دستگیری همدست فراری دو فرد کشته شده آغاز شد.

کشاورزی وجود ندارد. در ادامه با همکاری افراد محلی پیکر دو فرد گرفتار از چاه خارج شد و عوامل اوژانس با معاینه هر دو نفر اعلام کردند آن ها به علت استنشاق گاز داخل چاه جان خود را از دست داده اند.
دربرسی ها مشخص شد آن ها به همراه همدستانان که موضوع را به اوژانس اطلاع داده بود، برای پیدا کردن گنج اقدام به حفر تونل کرده اما به علت گاز چاه، جان خود را از دست داده اند.
تحقیقات برای دستگیری همدست فراری دو فرد کشته شده آغاز شد.



داشتن تا حساب پسر همسایه را برسم، یکی از عموهایم مقابلم قرار گرفت اواز من خواست اسلحه را کنار بگذارم و این کارها را نکنم، ولی من در حال خودم نبودم، همان لحظه خشاب اسلحه روی زمین افتاد، خشاب را دوباره با جانداختم و گفتم کاری ندارم، با این و جودا خانم بیرون آمدم دیدم عموی دیگرم در حال صحبت با همان پسر و پدرش است این جابود که به سوی او شلیک کردم ولی گلوله به سر عموم خورد!
هر اسان به طرفش دویدم و با اوژانس تماس گرفتم ولی دیدم کاری از دستم ساخته نیست به همین خاطر از محل گریختم!منهم این پرورنده جنایی در حاشیه باز جویی های تخصصی به قاضی ویژه قتل عمد گفت: هنگامی که دوران خدمت سربازی را می گذراندم عاشق سلاح و تیراندازی بودم به همین خاطر هر بار که دوره آموزشی جدیدی وارد یادگان می شد من از مافوق هایم می خواستم اجازه بدهند من هم باآن ها به میدان تیر بروم و شلیک کنم!!ولی کاش وقتی پسر همسایه را هدف گرفتم تیرم خطا می رفت و یا هوایی شلیک می کردم تا این گونه پشیمان نشوم!شایان ذکر است: تحقیقات قضایی در این پرورنده جنایی در حالی چندان جسد را داخل دادند جنس در حالی که دستم زدنم به سر عموم جسد را با مثلثه گفتم جسد را مثلثه گفتم جسد را داخل جاسود؛ پس از قرار دادن جسد در داخل چمدان، چمدان حاوی جسد را به زحمت به داخل خودرو منتقل و به سمت غرب استان تهران حرکت کردم؛ از تهران خارج شدم و به سمت شهریار رفتم و به منطقه یادیه دار د رفتم. معاون مبارزه با آن جادر چمدان را باز کردم و داخل آن بنزین یا شیدم؛ جسدو چمدان را آتش زدم و به سرعت محل را ترک کردم؛ ز نزدیکای های خانه که رسیدم، خودرو را در ابتدای ورودی شهرک رها کردم و به خانه رفتم. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: باتوجه به اعتراف صریح منمهم به ارتکاب جنایت و انتقال جسد به منطقه صفادشت، کارآگاهان ادار یازدهم پلیس آگاهی به همراه منمهم پرورنده به محل انتقال جسد اعزام و در بررسی محل، موفق به کشف بقایای آن شدند.

هیچ کس خبری از او نداشت. اطرافیش می گفتند گوشی تلفن مسعود شکسته بود و همین خاطر شماره تماسی ندار!! دیگر همه ظن ها به یقین تبدیل شده بود که مسعود نقشی در ماجرای قتل عمومیش دارد! به همین خاطر قاضی میرزایی با استفاده از تجربیات قضایی خود به راهنمایی اطرافیان مسعود پرداخت و با شگردهای قضایی و اطلاعاتی، متهم فراری را در تنگناهایی قرار داد که او هر لحظه خود را در خطر دستگیری احساس می کرد. حدود ۲۴ ساعت از ماجرای این شلیک مرگبار می گذشت که اطرافیان مسعود برای پیدا کردن او بسیج شدند تا این که بعداز ظهر جمعه منمهم ۲۶ ساله خود را به پلیس آگاهی معرفی و راز پیچیده این جنایت را افاش کرد. او درحالی که می گفت: به حرف هایی که از تبحر قاضی ویژه قتل عمد شنیدم، همه راه های گریز را بسته دیدم و به ناچار تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم این در حالی بود که من شماره تماسی نداشتم و از طریق یکی از دوستانم جزئیات ماجرا را پیگیری می کردم. منمهم این پرورنده جنایی سپس ادامه داد: آن شب من و پسر همسایه در جایی مشروب خوردم اما هنگام مستی او به من ناسزا گفت: در این حال من که از حرف های او عصبانی شده بودم او را روی زمین انداختم و آن قدر کتکش زدم که دستم ورم کرد. بعد از آن هم به خانه رفتم و سلاح کلت را برداشتم هنگامی که قصد بیرون آمدن از منزل را

مجتبی در اظهارات اولیه گفت: روز ۲۷ مردادماه با فقدان ملاقات داشته است اما پس از آن اطلاعی از او ندارد. با انتقال مجتبی به اداره یازدهم پلیس آگاهی، تحقیقات تخصصی از وی آغاز شد و سرانجام در ساعت ۱۶ روز گذشته لب به اعتراف گشود و به ارتکاب جنایت اعتراف کرد.

اعترافات منمهم

مجتبی در اعترافتش به کارآگاهان گفت: چندروز پیش از طریق یکی از دوستانم با مقتول آشنا شدم؛ روز جمعه ۲۷ مردادماه با فقدانی تماس گرفتم و او را به خانه ام دعوت کردم. این قاتل ادامه داد: پس از چند ساعت مقتول به خانه من آمد؛ مدت کوتاهی از حضور وی در خانه من نگذشته بود که از او خواستم خانه را ترک کند اما او برای این کار، درخواست مبلغ ۳۰۰ هزار تومان وجه نقد کرد و تهدید کرد اگر این پول را به او پرداخت نکنم، همسایگان را از حضورش در خانه من مطلع می کند. به او گفتم بیشتر از ۱۵۰ هزار تومان نمی توانم پرداخت کنم اما او همچنان اصرار داشت ۳۰۰ هزار تومان پرداخت کنم؛ باهم در گیر شدیم و ناگهان مقتول روی زمین افتاد؛ نفس نمی کشید؛ ترسیده بودم؛ می خواستم هر چه زودتر جسد را به بیرون از خانه منتقل کنم تا خانواده ام متوجه موضوع نشوند. در ادامه یک

دستگیری قاتل شیطان صفت متهم: جسد تکه تکه زن جوان را با چمدان به بیابان بردم!

دستگیری قاتل شیطان صفت متهم: جسد تکه تکه زن جوان را با چمدان به بیابان بردم!

روز جمعه ۲۷ مردادماه با خودروی شخصی پرایدش از منزل خارج شد؛ قرار بود عصر به خانه برگردد اما تاکنون بازنگشته است و پاسخگوی تماس های تلفنی ما نیست. تلاش کارآگاهان اداره یازدهم دستگیر شد. به گزارش پلیس، واحد گشت انتظامی ۳۱ مرداد در محدوده شهر جدید پردیس موفق به شناسایی خودروی پراید فقدانی شدند. در بررسی اولیه خودرو و مشخص شد سارق یا سارقان پس از سرقت لوازم داخل خودرو، آن را در ابتدای راه در شهر جدید پردیس رها کردند. با افزایش احتمال وقوع جنایت، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس در اقدامات ویژه پلیسی موفق به شناسایی جوانی ۳۳ ساله به نام مجتبی. و (متاهل) و دارای یک فرزند چهار ماهه پس شدند که برابر دلائل پلیسی به تازگی با فقدانی آشنا شده بود. کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی با مراجعه به محل سکونت وی در شهر جدید پردیس، این محل را تحت مراقبت های نامحسوس پلیسی قرار دادند و سرانجام در ساعت ۱۱ روز پنج شنبه گذشته موفق به دستگیری وی شدند.

اظهارات خواهر فقدانی

خواهر فقدانی با حضور در اداره یازدهم پلیس آگاهی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: خواهرم حدود ساعت ۱۱

جوانی که با دعوت زن جوان به خانه اش او را به قتل رسانده و پس از ملته کردن جسد مقتول، آن را در بیابان های اطراف تهران به آتش کشیده بود، با تلاش کارآگاهان اداره یازدهم دستگیر شد. به گزارش ایرنا، ۲۸ مردادماه خانم جوانی با مراجعه به دادسرای امور جنایی تهران گفت که خواهرش (۳۵ ساله) روز گذشته از خانه خارج شده و دیگر به خانه بازنگشته است و پاسخگوی تماس های تلفنی آن ها نیست. پرورنده در اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع گم شدن افراد و به دستور بازرس شعبه نهم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران، پرورنده برای رسیدگی در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

اظهارات خواهر فقدانی

خواهر فقدانی با حضور در اداره یازدهم پلیس آگاهی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: خواهرم حدود ساعت ۱۱

مرگ کودک ۱۱ ساله در دریاچه پارک تندرستی فردیس

آگهی مزایده اقلام راکد یک شرکت تولیدی (سهامی خاص)

در نظر دارد بخشی از اقلام راکد مربوط

به موتور سیکلت خود را از طریق مزایده

عمومی به فروش برساند.

متقاضیان محترم می توانند جهت هماهنگی بازدید از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۵ روز در ساعات ۸ صبح الی ۱۳ همه روزه به جز ایام تعطیل با شماره تلفن های ۰۵۱-۳۲۴۰۰۱۲۹ و ۰۵۱-۳۲۴۰۰۰۵۸ تماس حاصل نمایند

کت وشلوار ۹۵هزار تومان

انواع شلوار لی، کتان، فاستونی ۲۸ تومان، تیشرت ۱۵ تومان و...

بلوار پیروزی، رضاشهر، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ تولیدی پوشاک بزرگمهر ۰۹۱۵۴۷۷۹۲۸۲

۱۳

حوادث

در امتداد تاریکی

-
-
-

عشق های زودگذر

همواره در زندگی تلاش می کردم از میان خواستگار انم بهترین آن ها را انتخاب کنم چرا که اعتقاد داشتم عشق و علاقه در زندگی، همه مشکلات را از بین می برد. با آن که یکی از نخبگان ریاضی بودم و در دانشگاه تدریس می کردم، اما نتوانستم محاسبه دقیقی از از دواج داشته باشم و امروز که باو کیل همسرم در کلانتری رو به رو شدم، تازه فهمیدم که ...

زن ۲۲ساله با بیان این که در یک خانواده تحصیل کرده، فرهنگی و کم جمعیت رشد کردم، دادخواست طلاق را روی میز کار شناس اجتماعی کلانتری پنجنتمشهد گذاشت و در حالی که بیان می کرد در مثلت ازدواج، باید همه اطلاع آن را به طور دقیق در نظر گرفت، آه سردی کشیدو گفت: استعدادی خدادادی در رشته های فیزیک و ریاضی داشتم. به همین خاطر پس از پایان تحصیلات کارشناسی بلافاصله به تحصیلات تکمیلی روی آوردم و به عنوان دانشجوی نخیه در کارشناسی ارشد ادامه تحصیل دادم. با آن که سن کمی داشتم اما باز هم به عنوان مدرس دانشگاه پذیرفته شدم و دوره دکترار انیز پشت سر گذاشتم. در طول دوران تحصیل خواستگاران پولدار زیادی داشتم که همه آن ها وارد کردم چرا که معتقد بودم پول به تنهایی خوشبختی نمی آورد و زندگی باید با عشق و علاقه آغاز شود اما هیچ وقت به جنبه های اعتقادی و مذهبی نمی اندیشیدم. در این میان، «اردشیر» به خواستگاری ام آمد. او هم تحصیلاتش را در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا تحصیل کرده بودند و شغل های مهمی داشتند. با این وجود، اختلاف اساسی زندگی ما از شب خواستگاری آغاز شد چرا که آن شب ازدواج منصرف نکردن آن ها به جادوو جنبل متوسل شدند و حتی پدر اردشیر او را از ارث محروم کرد. با این شرایط و با این مشکلات، من نیز به تدریس در یکی از رشته های کارشناسی ارشد به پایان رسانده و تک پسر خانواده بود. حتی خواهرانش در مقاطع بالا